ماتراتزی از فینال جام‌جهانی می گوید ۲۴

دونگا مربی برزیل ۲۴

ورزش

پسر تیموری، مثل تیموری ۲۵

گفت‌وگو با محمد آخوندی ۲۶

خبر آخر

گلر جدید استقلال

فارس: دروازه‌بان تیم امید سایپا با عقد قراردادی سه ساله به استقلال پیوست. مهیار حسن‌نژاد پس از مذاکره با مسئولان باشگاه استقلال با این تیم به توافق رسید. مهیار حسن‌نژاد جزء سهمیه‌های امید استقلال محسوب می‌شود.

علوی به تیم ملی دعوت شد

شرق: محمد علوی به جای سهراب بختیاری‌زاده. امیر قلعه‌نویی دیروز بعد از قطعی شدن خداحافظی سهراب، علوی را به تیم ملی دعوت کرد. علوی بعد از دعوت به تیم ملی گفت: «اعتماد قلعه‌نویی را جلب می‌کنم.»

سهراب از تیم ملی رفت، کعبی هم می‌رود

شرق: سهراب بختیاری‌زاده هم دیگر به تمرین تیم ملی نخواهد رفت. حقیقتش این است که دیگر حال و حوصله تمرین در تیم ملی برایش نمانده است. مخصوصاً این تیم ملی که به قول خودش بوی بیست سال پیش را می‌دهد. او در تمرین روز دوشنبه آفتابی نشد تا معلوم شود سهراب هم دیگر با تیم ملی نخواهد ماند. سهراب خبر نیامدنش را به اطلاع افشین پیروانی رسانده است. ظاهراً سهراب به پیروانی گفته است که هر کاری می‌کند نمی‌تواند رابطه شاگرد و استادی با قلعه‌نویی داشته باشد و به همین دلیل نمی‌تواند زیر نظر او کار کند. جدا از سرمربی تیم ملی، سهراب حتی دل خوشی با دیگر اعضای کادر فنی هم ندارد. سهراب به دیگران گفته «بازیکن همین که ناصر ابراهیمی را وسط زمین تمرین می‌بیند، یاد ۲۰ سال پیش می‌افتد و انگیزه‌اش را از دست می‌دهد. ضمن اینکه پرویز کماسی نه پرسیده که آیا کسی تمرین دارد یا ندارد و یا اینکه بازیکنی مصدوم هست یا نه. فقط شروع کرده است به دواندن بازیکن‌ها و فشار آوردن بیش از حد به آنها. این جور تمرین کردن و اردو گذاشتن به آسانی می‌تواند هر کسی را از پا بیندازد؛ اردوهای طولانی‌مدتی که فقط از پس مربیان ایرانی برمی‌آید. این تمرینات به حدی روی روحیه بازیکن‌ها تاثیر منفی می‌گذارد که خود من از ترس این که نکند با کسی دعوا کنم، راهم را کشیدم و رفتم. اگر هم می‌ماندم به احتمال زیاد رباط پاره می‌کردم و این ۳ - ۲ سال آخر فوتبالم خراب می‌شد.» سهراب در حالی به تیم ملی فعلی پشت کرده که اگر می‌ماند جزء ستون‌های تیم به حساب می‌آمد و کاپیتان دوم محسوب می‌شد. با رفتن او حالا تیم ملی در پست دفاع آخر فقط محمود فکری ۳۷ ساله را دارد که خیلی‌ها با بودنش در تیم ملی چندان موافق نیستند. پیش از سهراب نیز کریم باقری خداحافظی‌اش را از بازی‌های ملی اعلام کرده بود و پست دفاع آخر فقط محدود به این دو نفر می‌شد. سهراب با این وجود ترجیح داده که دو سال آخر فوتبالش را با آسودگی به اتمام برساند. او تلویحاً به دوستانش فهمانده است همین که افرادی مثل پرویز مظلومی سر تمرین تیم ملی هستند نشان می‌دهد عیار کادر فنی و توان کنونی تیم ملی بر چه میزانی است، مربیانی که در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن ندارند. به خاطر همین بود که سهراب رفت و امروز و فردا هم باید منتظر رفتن حسین کعبی باشیم.

سکوت مهدوی‌کیا در مورد تیم ملی

خسته‌ام ولی...

مهدی زعیم‌زاده: در جام‌جهانی که به آرزوهایمان نرسیدیم و نتوانستیم نشان دهیم که فوتبال ایران هم می‌تواند در سطح اول فوتبال جهان حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد و دوباره تنها دلخوشی‌مان برای اینکه به خودمان امیدواری بدهیم که ما هم می‌توانیم گوشه کوچکی از فوتبال جهان را به خود اختصاص دهیم درخشش لژیونرهایمان است.

در این چندساله همیشه مهدی مهدوی‌کیا بیشترین و اصلی‌ترین سهم را در بین لژیونرها برعهده داشته. مهدی در این هفت سال و نیمی که در بوندس‌لیگا توپ زده بارها باعث سربلندی فوتبال ایران شده و در واقع او را باید موفق‌ترین لژیونر تاریخ فوتبال ایران دانست. شماره ۷ هامبورگ که در حال حاضر قدیمی‌ترین عضو این تیم هم محسوب می‌شود آماده است که هشتمین فصل حضور خود را در این تیم شمال آلمان تجربه کند. فصل گذشته فصل بسیار موفقی برای مهدوی‌کیا و هم‌تیمی‌هایش بود و آنها موفق شدند با کسب رتبه سوم جواز حضور در مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا را کسب کنند. خود مهدی نیز عملکرد بسیار مطلوبی از خود به جا گذاشت و بهترین بازی‌ها را در پست دفاع راست هامبورگ انجام داد. به هر حال شاگردان توماس دال به دنبال این هستند نتایج خوب فصل گذشته را تکرار کنند. این تیم پس از برپایی یک اردوی یک هفته‌ای در اتریش دوشنبه به هامبورگ بازگشت تا خود را برای بازی‌های پیش رو آماده کند.

هافبک ایرانی هامبورگ که به علت حضور در جام‌جهانی کمی دیرتر از سایر هم‌تیمی‌هایش در تمرینات پیش از فصل شرکت کرد در مورد اردوی اتریش گفت: «به مدت یک هفته در منطقه گوییینگ اتریش تمرین کردیم. تمرینات بسیار سنگین و فشرده بود و روزی سه جلسه تمرین داشتیم. روز یکشنبه هم یک بازی با بلکبرن انگلیس انجام دادیم که به تساوی یک بر یک رسیدیم. دوشنبه به هامبورگ بازگشتیم و از این به بعد تمریناتمان در همین آلمان پیگیری می‌شود و اردوی خارج از آلمان در دستور کار مربیان قرار ندارد.»

هامبورگ امروز در یک بازی دستگرمی به مصاف تیم آماتور پرسن مانستر می‌رود.

مابقی بازی‌های تدارکاتی هامبورگ تا پیش از شروع فصل به عملکرد این تیم در جام اتحادیه آلمان (لیگاپوکال) بستگی دارد. کیا در این مورد توضیح می‌دهد: «شنبه در اولین بازی‌مان در لیگاپوکال باید با هرتابرلین بازی کنیم. اگر این بازی را ببریم سه‌شنبه هفته بعد برابر وردربرمن قرار می‌گیریم در غیر این صورت با هانزاروستوک که یک تیم دسته دومی است بازی دوستانه انجام می‌دهیم. ادامه برنامه تیم هم بدین صورت است که اگر به فینال لیگاپوکال برسیم در لایپزیک فینال را برگزار می‌کنیم در غیر این صورت در یک بازی دوستانه شرکت خواهیم کرد تا تیم برای بازی مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا و بوندس‌لیگا کاملاً آماده شود.» همان‌طور که مهدی اشاره کرد هامبورگ یک مسابقه بسیار سرنوشت‌ساز در مرحله مقدماتی لیگ قهرمانان اروپا دارد. این مسابقه رفت و برگشت در تاریخ ۱۷ مرداد و اول شهریور برگزار می‌شود و اگر هامبورگ بتواند در آن بازی پیروز شود به بازی‌های معتبر لیگ قهرمانان راه پیدا می‌کند. حضور در آن رقابت‌ها می‌تواند اعتبار و از همه مهم‌تر درآمد قابل توجه‌ای نصیب این باشگاه آلمانی کند. هنوز حریف هامبورگ مشخص نشده. اگر آنها بدشانس نباشند بعید است به حریف قدرتمندی برخورد کنند و از راهیابی به لیگ قهرمانان محروم شوند. مهدوی‌کیا که از معدود بازیکنان هامبورگ است که سابقه بازی و گلزنی در لیگ قهرمانان اروپا با پیراهن این باشگاه را دارد در مورد حضور در این رقابت‌ها گفت: «آن بازی مقدماتی هدف اصلی ما در حال حاضر است. متاسفانه ما رتبه دومی در بوندس‌لیگا را در هفته آخر به وردربرمن واگذار کردیم و حالا مجبوریم که در بازی مقدماتی شرکت کنیم. به هر حال در حال حاضر تمام حواسمان را به این بازی جمع کردیم و بعد نوبت به بوندس‌لیگا و جام حذفی می‌رسد.»

بعضی از کارشناسان بوندس‌لیگا معتقدند که هامبورگ در فصل ۲۰۰۷-۲۰۰۶ همان تیم منسجم و خوب فصل گذشته نخواهد بود. آنها به جدایی دانیل فن بویتن و سرگئی باربارز دو بازیکن کلیدی این تیم اشاره می‌کنند و اینکه هامبورگ در بازار نقل و انتقالات نتوانست بازیکنان خوبی برای پرکردن جای این دو پیدا کند، اما کیا با این نظریه موافق نیستند. «درست است که فن بویتن و باربارز بازیکنان مهمی بودند اما به نظر من بازیکنانی که باشگاه به جای این دو گرفته بازیکنان خوبی هستند. در خط دفاعی کمپانی که یک مدافع جوان بلژیکی است به تیم اضافه شده که بازیکن بسیار خوبی نشان داده. به جای باربارز نیز پائولو گوئره‌رو را از بایرن مونیخ آوردیم. با این حال تیم به یک مهاجم شش دانگ دیگر نیاز دارد. تیمی که قرار است در بازی‌های اروپایی شرکت کند حداقل باید سه، چهار مهاجم بزرگ داشته باشد، البته مدیران باشگاه هم به دنبال این هستند یک مهاجم تراز اول را بخرند. در پی خرید میلان باروش و پاتریک کلایورت بودند که هر دو منتفی شد.» با این شرایط بازیکن محبوب هامبورگ به آینده تیمش خوش‌بین است. «شرایط برایمان خیلی سخت‌تر شده، از این به بعد تمامی حریفان به هامبورگ جدی‌تر نگاه می‌کنند با این حال ما مصمم هستیم که در اروپا، بوندس‌لیگا و جام حذفی به نتایج خوبی دست پیدا کنیم.»

مهدوی‌کیا یکی از موثرترین بازیکنان هامبورگ و بوندس‌لیگا در فصل گذشته بود و موفق شد در پست دفاع راست بازی‌های بسیار درخشانی از خود ارائه کند. به نظر می‌رسد توماس دال در فصل جدید هم مهدی را برای پست دفاع راست در نظر گرفته و با جدایی باینلیش، باربارز و فن بویتن بیشتر از قبل روی او حساب باز می‌کند. مصدومیت مهدوی‌کیا در آستانه جام‌جهانی، به ستاره ایران در جام‌جهانی ۹۸ اجازه نداد که در جام‌جهانی ۲۰۰۶ همان ستاره همیشگی باشد. با این حال او با رفع کامل آسیب‌دیدگی‌اش امیدوار است در فصل جدید نیز یک بازیکن کلیدی برای تیمش باشد.

مهدی در مورد میزان آمادگی خودش گفت: «بعد از جام‌جهانی دو، سه هفته استراحت کردم که فکر کنم زمان زیادی نبود و به همین دلیل تمرینات سنگین روزهای گذشته خیلی خسته‌ام کرده. روزی سه جلسه تمرین می‌کردیم و در حال حاضر واقعاً خسته‌ام. حتی نگرانم که این خستگی در آینده اذیتم کند. با این حال چاره‌ای ندارم و باید خود را برای مسابقات آماده کنم.»

همان طور که گفته شد مهدی در حال حاضر قدیمی‌ترین بازیکن باشگاه است با این حال توماس دال بازوبند کاپیتانی تیم را به او نداد و در اختیار رافائل فن درفارت هلندی قرار داد. مهدی که قصد ندارد نشان دهد از این تصمیم مربی دلخور شده در مورد کاپیتانی هامبورگ گفت: «طبیعتاً من هم دوست داشتم کاپیتان تیم باشم اما این نظر شخصی مربی بوده و باید به این نظر احترام بگذارم.» در آلمان برخلاف ایران برای انتخاب کاپیتان تیم به سابقه و سن بازیکنان توجه نمی‌کنند.

این فصل هشتمین فصل حضور کیا در تیم هامبورگ است. قرارداد او با هامبورگ در پایان فصل به پایان می‌رسد و اگر او قراردادش را با این تیم تمدید کند می‌تواند شمار سال‌های حضور خود در این تیم را به ده برساند و به یک اسطوره در بندر هامبورگ تبدیل شود.

«در مورد آینده و تمدید قراردادم هنوز با باشگاه صحبتی نکردم. فکر کنم چند ماه بعد مذاکراتمان را شروع کنیم؛ معلوم است که اولویت من ماندن در هامبورگ است.» این ملی‌پوش ایرانی تا به حال در ۱۹۶ بازی در بوندس‌لیگا به میدان رفته و در ۲۱ مرداد در اولین بازی این فصل هامبورگ مقابل آرمینیا بیله‌فلد صد و نود و هفتمین بازی‌اش را تجربه می‌کند و اگر اتفاق غیرمنتظره‌ای برای او رخ ندهد در هفته چهارم بوندس‌لیگا دویستمین بازی بوندس‌لیگایی‌اش را جشن می‌گیرد. ماه‌های پیش رو می‌تواند یک افتخار دیگر برای کاپیتان جدید تیم ملی ایران به همراه بیاورد. او که ۹۲ بازی ملی در کارنامه دارد به زودی وارد باشگاه صدتایی‌ها می‌شود.

با عدم حضور دایی در تیم ملی مهدی باسابقه‌ترین بازیکن تیم ملی نیز به شمار می‌رود. با این حال این بازیکن محبوب و قدیمی به هیچ وجه علاقه ندارد در مورد تیم ملی صحبت کند و ترجیح می‌دهد در مورد عملکرد تیم ملی در جام‌جهانی و وضعیت کنونی تیم و حتی کاپیتانی‌اش هیچ‌گونه اظهارنظری نکند. کیا صحبت در مورد تیم ملی را به آینده موکول کرد و تنها در مورد حضورش در سه بازی مقدماتی جام ملت‌ها توضیح داد: «اگر سه بازی در تقویم فیفا قرار داشته باشد و دعوتنامه فدراسیون به باشگاه ارسال شود مشکلی برای همراهی تیم ملی نخواهم داشت.»

راستی این نکته مهم را در مورد مهدوی‌کیا فراموش نکنیم که دوشنبه روز تولد او بود و مهدی وارد ۳۰ سالگی خود شد. او در سال ۹۹ از پرسپولیس به بوخوم منتقل شد و از فصل ۲۰۰۰- ۱۹۹۹ پیراهن هامبورگ را بر تن دارد.

قلعه‌نویی: غیبت میرزاپور به خاطر مصدومیت است

ایسنا: سرمربی جوان تیم ملی فوتبال ایران با خوش‌بینی بسیار از آینده تیم ملی صحبت می‌کند. او باور دارد که با تکیه بر جوانان، تیم ملی بیست و پنجم مرداد «فوتبال ایرانی» را همراه با نتیجه‌ای خوب ارائه خواهد داد. امیر قلعه‌نویی اظهار کرد: با انگیزه‌ای که هم در کادر فنی و هم در بازیکنان می‌بینم به آینده بسیار امیدوارم و واقعاً جوانان ما به‌ویژه آنهایی که کمتر بازی به آنها رسیده با انگیزه بسیار بالایی تمرین می‌کنند و این مسئله موجب شده که با خوش‌بینی بسیار به آینده نگاه کنم. وی افزود: شرایط بسیار خوب و ایده‌آلی در اردوی تیم ملی حکمفرما است، تنها یکی، دو مشکل کوچک پیش روی ما قرار دارد و امیدواریم این دو مشکل تا هفته دیگر حل شود. قلعه‌نویی با اشاره به غیبت بازیکنان لژیونر در تیم ملی گفت: روابط بین‌الملل فدراسیون باید پیگیر این مسئله باشد. ما برای حضور لژیونرها در تیم ملی دو بحث داریم. یکی اینکه باشگاه‌های آنها بر اساس قانون می‌توانند به بازیکنانشان اجازه حضور در تمرینات تیم‌های ملی را بدهند یا تصمیمی خلاف آن بگیرند و دیگری اینکه آنها بر اساس قانون باید ۷۲ ساعت پیش از بازی‌های ملی به تیم‌هایشان بازگردند. قلعه‌نویی با اشاره به تغییرات در فدراسیون فوتبال و کادر فنی گفت: امیدوارم که با گذشت زمان و نوع تمرینات این فاصله‌ای که ایجاد شده به حداقل برسد. من شرایط را به طور کامل ایده‌آل می‌بینم و باور دارم که بیست و پنجم مرداد فوتبال ایرانی را توام با نتیجه‌ای خوب ارائه خواهیم داد. وی آسیب‌دیدگی چند بازیکن تیم ملی را یکی دیگر از مشکلات عنوان کرد و افزود: سه ماه لیگ تعطیل بوده و ما بعد از این سه ماه مجبوریم که با توجه به زمان کمی که در اختیار داریم هم کار بدنی کنیم، هم کار روحی و هم کار تاکتیکی. به نظر من این برای نخستین بار در تاریخ است که تیم ملی یک کشور پس از سه ماه تعطیلی فوتبال داخلی باید در مسابقاتی بین‌المللی شرکت کند. کار سختی را پیش‌رو داریم با انگیزه کادر فنی و بازیکنان، هر چیزی ممکن است. قلعه‌نویی درباره غیبت سهراب بختیاری‌زاده و ابراهیم میرزاپور در تمرینات تیم ملی گفت: به احتمال زیاد بختیاری‌زاده از حضور در تیم ملی انصراف خواهد داد اما، با من در این مورد صحبتی نکرده، ضمن آنکه غیبت میرزاپور به دلیل مصدومیت‌اش است. قلعه‌نویی درباره خداحافظی کریم باقری از بازی‌های تیم ملی گفت: ما روی باقری حساب ویژه‌ای باز کرده بودیم و من خودم هم با او تلفنی صحبت کردم و در آن تماس نگفت که به تیم ملی بازنمی‌گردد اما، اینکه او جا را برای جوان‌ترها باز کرد، حتماً کار خوبی بوده است.

دقیقه صفر

قلعه‌نویی و این آزمون سخت

امیرقلعه‌نویی در آستانه آزمونی سخت قرار گرفته برای اینکه بدانید او اینک در چه شرایطی است، بهتر است خبرهایی را که پیرامون تیم ملی منتشر می‌شود، دوباره بازبینی کنید:

۱- بلافاصله پس از اینکه فهرست ۴۰ نفره تیم ملی اعلام شد، بازیکنان پرسپولیس به همراه تیم‌شان به اتریش رفتند. آری‌هان هم اعلام کرد که بازیکنانش را به تیم ملی نمی‌دهد.

۲- کریم باقری که خیلی‌ها به دعوت او و همچنین محمود فکری معترض شده بودند، اعلام کرد که به تیم ملی نمی‌آید و جایش را به جوانان می‌دهد.

۳- سهراب بختیاری‌زاده از تمرینات ناراضی بود و اردوی تیم ملی را ترک کرد.

۴- ابراهیم میرزاپور و حسین کعبی از جو اردوی تیم ملی ناراضی هستند و می‌گویند که در صورت ادامه این وضع، آنها هم ترجیح می‌دهند فعلاً در تیم ملی نباشند.

۵- برخی از لژیونرها که بازیکنان مهمی در تیم ملی هستند اعلام کرده‌اند برای بازی‌های آینده به ایران نمی‌آیند و فعلاً ترجیح می‌دهند روی تمرینات و بازی‌های باشگاهی متمرکز شوند.

...

حالا سرمربی تیم ملی برای اینکه بتواند تیم ملی را جمع کند، در دوراهی‌های متعدد قرارگرفته است مثلاً اگر او بخواهد مقابل آری‌هان و بازیکنان پرسپولیس بایستد و آنها را از اردو خط بزند، با دستان خودش جو اردوی تیم ملی را به هم ریخته و اگر هم چنین نکند، بی‌نظمی را در اردوی تیم ملی پذیرفته. واقعاً اگر لازم نیست که چهار بازیکن پرسپولیس در اردوی تیم ملی حضور یابند و تمرینات تیم ملی از سطح تمرینات باشگاهی آنها پایین‌تر است، چرا سایر بازیکنان باید در تمرین تیم ملی حاضر شوند؟ مثلاً چرا بازیکنان سپاهان نمی‌توانند زیر نظر لوکا بوناچیچ تمرین کنند و باید حتماً در تیم ملی حضور یابند؟ مگر سرمربی باشگاه سپاهان یا استقلال یا فجرسپاسی دوست ندارد که همه بازیکنانش را در تمرینات پیش فصل در اختیار داشته باشد؟

چرا این فرصت در اختیار آری‌هان قرار می‌گیرد و در اختیار لوکا بوناچیچ یا غلام پیروانی قرار نمی‌گیرد؟ این می‌شود که جو اردوی تیم ملی به‌هم می‌ریزد. چرا که باشگاه‌ها هنوز تیم ملی جدید را باور نکرده‌اند. اینجاست که عیار کار قلعه‌نویی روشن می‌شود.

او پیش از این با وجود اینکه می‌دانست آمدن ناصر ابراهیمی رسانه‌ها و مردم را ناراضی می‌کند، او را انتخاب کرد و با همه اینکه می‌دانست با دعوت از محمود فکری ۳۷ ساله که نه به درد جام ملت‌ها می‌خورد و نه به درد جام‌جهانی، سطح خود را از یک مربی ملی به یک مربی باشگاهی تنزل می‌دهد، این کار را انجام داد. سرمربی تیم ملی که با الگوبرداری غلط از فوتبال اروپا، بی‌جهت دوروبر خود را در تیم ملی این قدر شلوغ کرده حالا باید بنشیند و ببیند که این کادر فنی شلوغ، چگونه می‌تواند او را از این وضعیت نجات بدهد. اما پیش از مشاوران، خود قلعه‌نویی باید به خودش کمک کند. او ابتدا باید به این برسد که سرمربی تیم ملی باید کلان‌نگرتر از سرمربی یک تیم باشگاهی باشد و باید بپذیرد لزوماً روش‌هایی که در باشگاه استقلال جواب داده، در تیم ملی جواب نمی‌دهد. باید بپذیرد برخی از این روش‌ها در تیم ملی کاملاً برعکس جواب می‌دهد. مثلاً اگر او بخواهد طبق رویه‌ای که در باشگاه استقلال در پیش گرفته بود، با بازیکنان پرسپولیس برخورد کند، باید در صورت نیامدن آنها تا روز پنجشنبه، خط‌شان بزند و در این صورت باید تقابل سختی از طرفداران فوتبال ایران را که دوستداران باشگاه پرسپولیس هستند، به انتظار بنشیند. چنان‌که در بالا آمد او اگر این کار را انجام ندهد هم با مشکل مهم‌تری مواجه می‌شود و آن تقابل با سایر مربیان باشگاهی است که بدون هیچ اعتراضی بازیکنانشان را در اختیار تیم ملی گذاشته‌اند. قلعه‌نویی چنین آزمونی را در برخورد با سهراب بختیاری‌زاده و ابراهیم میرزاپور و حسین کعبی و لژیونرهای ناراضی‌ای که اعلام کرده‌اند برای بازی‌های تیم ملی به ایران نمی‌آیند پیش‌رو دارد. برای همین او باید یک روز جدا از تمرینات بنشیند و به این فکر کند که از حالا به بعد چگونه باید رفتار کند که او را به‌عنوان مربی ملی بشناسند. او برای اینکه به نتیجه خوبی برسد می‌تواند روزهایی را به خاطر بیاورد که سرمربی استقلال بود و به یاد بیاورد که در آن روزها چه انتظاراتی از سرمربی تیم داشت. اتفاقاً بعضی جاها اگر قلعه‌نویی خود را در موضع سرمربی یک تیم باشگاهی ببیند، کمک بزرگی برایش است. اینجوری شاید بتواند:

۱- محمود فکری را از تیم ملی خط بزند. بازیکن ۳۷ ساله‌ای که سنش از افشین پیروانی، مربی تیم ملی هم بالاتر است. دعوت از محمود فکری آن هم با چنین شرایط سنی‌ای، فقط از یک مربی استقلالی برمی‌آمد. این می‌شود که مربیان سایر باشگاه‌ها که می‌بینند جوانان تیمشان پشت خط مانده‌اند و جایشان را به یک بازیکن ۳۷ ساله داده‌اند، به خودشان اجازه می‌دهند که شأن سرمربی تیم ملی را پایین بیاورند.

۲- نگاه دوباره‌ای به کادر فنی بیندازد. واقعاً اگر قرار است منصور ابراهیم‌زاده برای تمرینات تیم ملی برنامه بریزد و اجرا کند و در این راه از کمک‌های افشین پیروانی هم بهره بگیرد، واقعاً چه نیازی به حضور ناصر ابراهیمی است که بازیکنان در این دو سه روزه از کار کردن با او ناراضی بوده‌اند؟ کار کردن در تیم ملی به مراتب سبک‌تر از کار در یک باشگاه است و وقتی تیم فنی یک باشگاه در ایران از پنج شش نفر بالاتر نمی‌رود، چگونه تیم ملی باید با کادر چهارده، پانزده نفره به کارش ادامه بدهد؟ مشورت کردن هم تا یک جایی خوب است، نیست؟

ادامه در صفحه ۲۶